

The function of free media in controlling the crime of embezzlement; From preventive actions to risks

Amin Radman*

ebrahim ghodsi, esmail haditabar*****

Abstract

The growing development of free media and facilitating access to it through smartphones is an emerging and at the same time pervasive issue that is operational in a variety of areas of human life, including crime prevention. Thus, the author of this article, through interdisciplinary media research with criminal law, seeks to answer the question of how free media can play a role in preventing the crime of embezzlement? The results of this paper, which uses a descriptive-analytical method, show that free media, due to features such as ease of access, coefficient penetration, great number of audience and breadth of dissemination, can help the establishment of a meritocracy system, put pressure on the government to provide livelihood for employees, transparency and solicitation have an effective preventive function in relation to the crime of embezzlement. It should be noted, however, that the realization of this function by the free media depends on the existence of requirements such as freedom of expression, free access to information and media neutrality. Nor should we overlook some of the dangers of using the capacity of the free media to prevent the crime of embezzlement, such as invasion of privacy, accusation and criminal populism. Therefore, according to the obtained results, it's suggested to the

* PhD in Criminal Law and Criminology, Mazandaran University (Corresponding Author),
aminradman@yahoo.com

** Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, ghodsi@gmail.com

*** Assistant Professor of Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University,
ehaditabar@gmail.com

Date received: 12/06/1400, Date of acceptance: 11/09/1400

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

policy makers with pass the necessary laws while improving the efficiency of free media, avoid their undesirable sequence.

Keywords: Free media, crime prevention, embezzlement, transparency, media literacy.



کارکرد رسانه‌های آزاد در کنترل جرم اختلاس؛

از کنش‌های پیشگیرانه تا مخاطرات فراروی^۱

امین رادمان*

سید ابراهیم قدسی**، اسماعیل هادی تبار***

چکیده

توسعه روزافزون رسانه‌های آزاد و تسهیل دسترسی به آن از طریق تلفن‌های همراه هوشمند موضوعی نوظهور و در عین حال فراگیر است که قابل بهره‌برداری در زمینه‌های مختلف حیات بشری از جمله پیشگیری از جرم است. از این رو نویسنده این مقاله از رهگذر پژوهش میان‌رشته‌ای رسانه با حقوق کیفری، درصدد پاسخ به این پرسش است که رسانه‌های آزاد چگونه می‌توانند در پیشگیری از جرم اختلاس نقش آفرینی کنند؟ نتایج این نوشتار که از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده است، نشان می‌دهد که رسانه‌های آزاد باتوجه به ویژگی‌هایی مانند سهولت دسترسی، ضریب نفوذ، کثرت مخاطب و وسعت انتشار می‌توانند با کمک به استقرار نظام شایسته سالار، فشار به دولت در جهت تأمین معاش کارمندان، ایجاد شفافیت و مطالبه‌گری، کارکرد پیشگیرانه کارآمدی در خصوص جرم اختلاس داشته باشند. اما باید توجه داشت که تحقق این کارکرد ازسوی رسانه‌های آزاد منوط به وجود بایسته‌هایی چون آزادی بیان، دسترسی آزاد به اطلاعات و بی‌طرفی رسانه‌ای می‌باشد. همچنین نباید از برخی مخاطرات استفاده از ظرفیت رسانه آزاد برای پیشگیری از جرم اختلاس نظیر نقض حریم خصوصی افراد، اتهام‌افکنی و عوام‌گرایی کیفری غافل شد. لذا باتوجه به

* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، aminradman@yahoo.com

** دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، ghodsi@gmail.com

*** استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ehaditabar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

نتایج به‌دست‌آمده به متولیان سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌گردد با تصویب قوانین لازم‌الاجرا، به‌بود کارآمدی رسانه‌های آزاد، از توالی نامطلوب آن‌ها اجتناب کنند.

کلیدواژه‌ها: رسانه‌های آزاد، پیشگیری از جرم، اختلاس، شفافیت، سواد رسانه‌ای.

۱. مقدمه

با آغاز روابط دولت-شهروندی نوین، جرم اختلاس گریبان‌گیر دولت‌ها و دغدغه فکری بسیاری از دانشمندان و متفکران سیاسی شده است و در حال حاضر یکی از مسائل مبتلابه در اغلب کشورهای جهان از جمله کشور ایران است. دادرسی‌های افتراقی، تشدید مجازات، تنظیم بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و دیگر اقدامات دولت‌ها برای مقابله با اختلاس ناتوان از کنترل این جرم بوده است و این باور را بیش از پیش تعمیق بخشیده که اقدامات واکنشی برای مقابله با این جرم هرچند لازم است اما به هیچ وجه کافی نیست. به این ترتیب مقابله کارآمد با جرم مذکور را باید از رهگذر تدابیر کنشی و پیشگیرانه جست‌وجو کرد. در میان انواع تدابیر پیشگیرانه می‌توان نقش ویژه‌ای برای ابزار «رسانه» قائل شد؛ چه آن که شفاف‌سازی اصلی‌ترین کارکرد رسانه است و ناگفته‌نهدا است که فساد و فقدان شفافیت دو روی یک سکه‌اند و به هر میزانی که شفافیت وجود داشته باشد به همان میزان فساد کمتر می‌شود و برعکس هر چقدر شفافیت کمتر باشد میزان فساد نیز افزایش می‌یابد. اضافه بر این رسانه‌ها می‌توانند مهم‌ترین ابزار نظارتی در جامعه باشند و با شفاف‌سازی و مخابره صحیح و سریع اخبار، نقشی پیشگیرانه در جرایم اقتصادی و از جمله اختلاس ایفا کنند.

کارکردهای رسانه به این موارد محدود نمی‌شود و رسانه‌ها می‌توانند با بسیج افکار عمومی در خصوص یک موضوع، از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آحاد ملت استفاده کنند. رسانه‌های دولتی به جهت خط قرمزهای متعدد که باید رعایت شود، کم‌تر از این قابلیت‌ها برای پیشگیری و مقابله با جرم اختلاس استفاده می‌کند. پیام‌رسان‌های اجتماعی به عنوان رسانه‌های آزاد با وجود عمر اندک خود قابلیت بالایی را در کنش‌های پیشگیرانه در خصوص جرم اختلاس از خود نشان داده‌اند. هر خبر و رویدادی با سرعت بسیار بالا و در کسری از ثانیه در این شبکه‌ها منتشر می‌شود و در دسترس همگان قرار می‌گیرد. ویژگی‌هایی مانند سهولت دسترسی، ضریب نفوذ، کثرت مخاطب، سرعت انتقال و وسعت انتشار، این رسانه‌ها را به یک رسانه ممتاز در زمینه پیشگیری از جرم تبدیل

نموده است. با این حال باید توجه داشت که از یک سو کارآمدی رسانه‌های آزاد در مقابله با جرم اختلاس بایسته‌های خود را می‌طلبد و برای تحقق آن برخی ملزومات و پیش‌نیازها باید فراهم شود و از سوی دیگر کاربست رسانه آزاد برای پیشگیری از جرم ممکن است برخی چالش‌ها را نیز به همراه داشته باشد که عدم توجه به آن می‌تواند به نقض غرض و افزایش رقم بزهکاری بینجامد.

براین اساس در این تحقیق پژوهشگر بر آن است که از یک طرف به نقش رسانه‌های آزاد در کنش‌های پیشگیرانه از جرم اختلاس بپردازد و از طرف دیگر بایسته‌ها و مخاطرات استفاده از رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس را مورد بررسی قرار دهد.

۲. ادبیات و پیشینه پژوهش

به منظور بکارگیری مفاهیم و اصطلاحات موجود در پژوهش حاضر نیاز است که ابتدا این مفاهیم تعریف شوند. در این پژوهش رسانه‌های آزاد که محور اصلی مقاله است، به معنی رسانه‌هایی است که کلید آن، افراد هستند و نه دولت یا سازمانها که آن را کنترل کنند. با وجود گستردگی تعاریف رسانه آزاد، نقطه تمرکز اغلب تعاریف بر دو عنصر «اشتراک‌گذاری» و «تعامل» است. رسانه آزاد، رسانه‌ای است که امور تولید ویدئو، صدا، متن یا چند رسانه‌ای در آن توسط کاربران انجام می‌شود و در محیط اینترنت منتشر و بین هم‌تایان به اشتراک گذاشته می‌شود (خانیکی و بابائی، ۱۳۹۰: ۷۵). رسانه‌هایی نظیر فیس‌بوک، توئیتر، تلگرام، اینستاگرام و... رسانه‌های آزاد می‌باشند (رهبری، ۱۳۹۹: ۱۰۱-۹۷). به بیان دیگر منظور از رسانه‌های آزاد در این مقاله، رسانه‌هایی هستند که وابسته به حکومت یا جناح خاصی نیستند.

دیگر مفهوم اصلی در این پژوهش پیشگیری می‌باشد که به معنی کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

مرور پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه موضوع پژوهش، امری است که به نگارنده مقاله کمک می‌کند تا با بینشی دقیق‌تر به مساله بنگرد. لذا محقق پس از بررسی تحقیقات پیشین به این نتیجه رسید که عموم تحقیق‌های صورت گرفته در زمینه نقش رسانه‌ها در پیشگیری از جرم معطوف به مسائل پیشگیری اجتماعی و فرهنگ‌سازی است و

پژوهش‌گران از بررسی سایر ابعاد متصور بر نقش رسانه‌ها در پیشگیری از جرم غفلت ورزیدند.

سابق بر این نوشتار، برخی پژوهشگران موضوع نقش رسانه در پیشگیری از جرم را از جهات سیاست جنایی مشارکتی و پیشگیری اجتماعی - که در آن رسانه با آموزش می‌تواند به آگاهی دادن به افراد جامعه پرداخته و موجب پیشگیری از جرم شود - را مورد واکاوی قرار داده‌اند. به‌طور مثال مؤذن زادگان و افشاری (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی ایران» نتیجه گرفته‌اند که در سیاست جنایی تقنینی ایران، در قوانین مختلف مانند قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات ماهواره‌ای برای پیشگیری از جرم این وسیله، ضمانت اجرای فیزیکی در نظر گرفته‌اند در حالی که بهتر بود از راهکارهای فرهنگی برای این امر استفاده می‌کردند. از منظر سیاست جنایی قضایی نیز به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان از میان رویه‌ها و آراء به طور مستقیم، نقشی برای رسانه در پیشگیری از جرم یافت. این پژوهشگران مهم‌ترین نقش رسانه را در بخش سیاست جنایی مشارکتی دانستند که در آن رسانه با آموزش و امر به معروف می‌تواند به آگاهی دادن به افراد جامعه پرداخته و موجب پیشگیری از جرم گردد. بیابانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نقش رسانه در پیشگیری از جرم» به این نتیجه رسیده است که رسانه‌ها توانایی حساس‌سازی عموم جامعه نسبت به موضوع پیشگیری از جرم در سطح اجتماعات محلی و ملی را دارند. بر این اساس رسانه‌ها با افزایش نقش آموزش و اطلاع‌رسانی می‌توانند سهم بسزایی در این زمینه داشته باشند در آخر نتیجه می‌گیرد که رسانه می‌تواند هم باعث افزایش جرم و جنایت در جامعه شود و در همان حال می‌تواند ابزاری در جهت پیشگیری از جرم باشد. پژوهش‌هایی نیز وجود دارد که با رویکرد انتقادی به نقش رسانه‌ها در افزایش ارتکاب جرم پرداخته‌اند. در میان این سنخ پژوهش‌ها، می‌توان به مقاله «بررسی تأثیر رسانه بر افزایش حس ناامنی و جرم از دیدگاه حقوق شهروندی» که توسط مخدومی و همکارانش (۱۳۹۸) تدوین یافته‌است، اشاره نمود؛ در این پژوهش، پژوهشگران معتقدند که رسانه‌ها با بازنمایی جرائم، عادی جلوه دادن جرم، انتقال سریع و آموزش به بزه‌کاران، عاملی برای گسترش ناامنی هستند. از این رو تهدیدی برای حقوق شهروندی تلقی می‌شوند. در نهایت به این نتیجه رسیدند که مشارکت شهروندان در امر نظارت و تولید محتوای رسانه‌ها از جمله راه‌کارهایی است که می‌تواند آثار نامطلوب رسانه‌ها را از بین ببرد و در عین حال از حقوق شهروندی دفاع به عمل آورد.

در مجموع با مرور پژوهش‌های گذشته و مقایسه آن با تحقیق حاضر می‌توان گفت: ضرورت انجام این تحقیق از آن جهت است که علی‌رغم وجود این پژوهش‌ها، تحقیقی که منحصرأ و به تفصیل موضوع کارکرد رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس را دنبال نموده باشد، وجود ندارد. تمامی پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص نقش رسانه‌ها در پیشگیری از جرم در حوزه پیشگیری اجتماعی و فرهنگ‌سازی است و به عقیده نگارنده چون مختلسین از جمله اقشار یقه سفید جامعه محسوب می‌شوند و خود از درصد بالایی از اجتماعی شدن برخوردارند، این کارکرد رسانه در خصوص پیشگیری از جرم اختلاس چندان مؤثر نیست. در این مقاله نگارنده با نگاهی چند وجهی و ایده‌های نوآورانه می‌کوشد کارکرد رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس و مخاطرات فراروی آن را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار دهند.

۳. روش تحقیق

این تحقیق از نوع بنیادی و نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکردی در مبانی جرم‌شناسی پیشگیرانه است؛ بدین صورت که نقش رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس تحلیل و توصیف می‌شود. داده‌های تحقیق نیز به روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات حوزه علوم رسانه و ارتباطات و حقوق کیفری و جرم‌شناسی صورت گرفته است. و با تجزیه و تحلیل داده‌ها، به شیوه کیفی و مبتنی بر استدلال و استنتاج عقلی و تحلیل منطقی مبانی، مفاهیم و ساختار، دیدگاهی نو در امر پیشگیری از جرم اختلاس ارائه شده است.

۴. نقش رسانه‌های آزاد در کنش‌های پیشگیرانه از جرم اختلاس

پیشگیری از جرم (Prevention of Crime) یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات علوم جنایی است و جایگاه مهمی در سیاست جنایی دارد که برای مهار پدیده مجرمانه همواره مورد توجه است. هر جرم به اقتضای شرایط و ویژگی‌های خاص خود، ابزارها و تدابیر پیشگیرانه مختص خود را می‌طلبد. از جمله ابزارهایی که امروزه می‌تواند در پیشگیری از جرایم به کار گرفته شود، رسانه‌ها می‌باشند (بیابانی، ۱۳۹۲: ۳۴). رسانه‌ها با کارکرد اطلاع‌رسانی، آموزشی و نظارتی خود در پیشگیری از جرم کارآمد می‌باشند که در این

خصوص رسانه‌های آزاد و مستقل به عنوان ابزار نظارتی برون سازمانی در مقایسه با نظارت درون سازمانی یا نظارت توسط نهادهای دولتی به دلیل بی‌طرفی و نفوذ ناپذیری در برابر فشارهای بیرونی بهتر می‌توانند ایفای نقش کنند؛ زیرا نظارت دولت و یا سایر ارکان حکومت بر خود می‌تواند تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی و جانب دارانه قرار گیرد و حساسیت و دقت لازم را نداشته باشد؛ لذا اعمال سازوکار نظارتی به طریق سنتی و از طریق نهادهای دولتی عملاً غیرممکن و هزینه‌بر می‌باشد. در ادامه مهم‌ترین کارکردهای رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۴ استقرار نظام شایسته‌سالار

واژه شایسته‌سالاری اولین بار در سال ۱۹۸۵ توسط مایکل یانگ (Michael Young) جامعه‌شناس انگلیسی به کار برده شد. به تعبیر او شایسته‌سالاری سیستم و نظامی است که شرایط را برای رهبری و مدیریت افراد نخبه و توانمند مهیا می‌سازد (حسنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۵). شایسته‌سالاری در گزینش و نصب افراد و مدیران دستگاه‌های دولتی، یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از جرم اختلاس است. عدم رعایت شایسته‌سالاری، خصوصاً در سطح کلان، خلأ و توانمندی‌ها را ضایع می‌گرداند و باعث می‌شود انجام امور به دست افرادی سپرده شود که میزان توانایی فکری و اعتقادی آنان ضعیف است و راحت‌تر مستعد و پذیرای انجام فساد گردند. از جمله نتایج اعمال اصل شایسته‌سالاری حاکم نمودن ضوابط در گزینش و ارتقای کارمندان می‌باشد. این موضوع سبب می‌گردد که خویشاوند گزینی و معیار قرار دادن روابط فامیلی در نصب و ارتقای کارمندان به‌حاشیه برود (طالبی و هاشمیان فر، ۱۳۹۸: ۷۲). به این ترتیب می‌توان رابطه‌ای مستقیم میان شایسته‌سالاری و کاهش اختلاس ترسیم کرد.

رسانه‌های آزاد با انتشار اخبار و گزارش‌های مبنی بر بی‌کفایتی و عدم صلاحیت علمی یا اخلاقی مدیران و مسئولان دولتی می‌توانند در استقرار جریان شایسته‌سالاری در رویه استخدامی کشور نقش مؤثری را ایفا نمایند. در واقع رسانه‌های آزاد با دامن زدن به مسئله مزبور با تهییج افکار عمومی و جلب توجه عامه مردم به عملکرد مسئولین، می‌توانند کارآمد باشند و دولت را به استقرار نظام شایسته‌سالاری در فرایند گزینش و ارتقا افراد در ادارات و سازمان‌ها هدایت بنمایند. در این زمینه می‌توان به اخبار مبنی بر مدارک جعلی برخی از مسئولین و خویشاوند گزینی در برخی ادارات اشاره کرد که موجی از انتقادات را

به دولت وارد ساخت و دولت را به بررسی آن وادار نمود. فلذا نقش رسانه‌های آزاد در این خصوص غیر قابل انکار می‌باشد. نظارت رسانه‌ای باعث ایجاد فشار عمومی و قرارگرفتن عملکرد مسئولین زیر ذره‌بین عامه مردم شده و به این ترتیب کارمندان و مدیران فاسد را مجبور به استعفا و ترک قدرت می‌کند که خود در استقرار نظام شایسته‌سالاری و پیشگیری از جرم اختلاس مؤثر واقع می‌گردد.

۲.۴ فشار به دولت در جهت تأمین معیشت کارمندان

امروزه بحران اقتصادی، تورم و افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت‌ها از یک طرف و بالا رفتن سطح زندگی تجملی و نیازهای کاذب در میان افراد جامعه از طرف دیگر، مشکلات عدیده‌ای در معیشت خانواده‌ها ایجاد کرده است. این در حالی است که درآمد و مزایای ناشی از فعالیت‌های مشروع اغلب افراد پاسخگو اکثر نیازهای آن‌ها نمی‌باشد و می‌تواند عاملی مؤثر بر وقوع جرایم مالی قلمداد شود. اگر از کارکنان و مدیران سطوح مختلف نظام انتظار می‌رود وظایف خود را به شکل مطلوب و دور از هر گونه کم‌کاری و خیانت انجام دهند، باید آن‌ها را از لحاظ زندگی مادی تأمین کرد. عدم تأمین و دست‌مزد پایین موجب نارضایتی کارمند می‌شود، نتیجتاً برای رهایی از این فشارها منتظر فرصتی مناسب می‌گردند و به محض یافتن آن، اقدامات مجرمانه‌ای هم چون اختلاس را در فضای سازمانی انجام می‌دهند. به بیان دیگر «فساد احتیاج» (Corruption of Necessity) به وسیله کارکنان دارای حقوق و دست‌مزد کم و رتبه شغلی پایین صورت می‌گیرد. این دسته از کارکنان، کارکنانی اند که دخل و خرجشان هم‌تراز نیست و باید به طریقی کم و کسری خود را جبران کنند. در این راستا باید عادلانه کردن حقوق و مزایای کارکنان در بخش‌های دولتی به منظور پیشگیری از وقوع فساد در دستور کار دولت قرار گیرد.

در این راستا رسانه‌های آزاد با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود کارکرد مثبتی در زمینه فشار به دولت به منظور توجه به معیشت کارمندان و همچنین متفی کردن انگیزه ارتکاب جرم اختلاس از سوی کارمندی که به دلیل عدم معیشت مناسب دست به جرم اختلاس می‌زنند، دارند. رسانه‌های مذکور با برجسته‌سازی حقوق‌های نجومی بعضی از مسئولین در مقایسه با حقوق و مزایای نسبتاً اندک کارمندان درست کاری که امکان غوطه ور شدن آن‌ها در فساد به علت مضیقه اقتصادی وجود دارد، توجه دولت را به سوی این افراد که بزهکاران

بالقوه می‌باشند، جلب خواهند کرد و به این نحو در پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی همچون اختلاس از ناحیه این افراد مفید واقع می‌شوند.

۳.۴ آموزش و مهندسی فرهنگی

در کنار نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین کارگزار اجتماعی شدن فرد در مراحل ابتدایی زندگی و نقش مؤثر نهاد مذکور در تقویت خودکنترلی افراد (Self-Control)، رسانه‌ها نیز از جایگاه مستحکمی در زمینه اجتماعی شدن افراد، حمایت از هنجارهای جامعه و مهندسی فرهنگی برخوردارند. به عقیده «هارولد لاسول» (Harold Lasswell) از جمله کارکرد اصلی رسانه‌ها، کارکرد آموزشی و انتقال فرهنگ می‌باشد. رسانه‌ها در حکم انتقال دهنده فرهنگ برای انتقال اطلاعات، ارزش‌ها و هنجارها از یک نسل به نسل دیگر کاربرد دارند (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۱۰۸)، به گونه‌ای که می‌توان از رسانه به عنوان یکی از کارگزاران اجتماعی شدن در مرحله اجتماعی شدن ثانویه (Secondary socialization) نام برد. بنابراین رسانه‌ها با تحسین امانت‌داری، صداقت و درستکاری و تقبیح خیانت‌درامانت، حرمت تصاحب مال دیگری و مصادیقی از این قبیل، می‌توانند ضمن آموزش افراد به فرهنگ‌سازی و حفاظت از هنجارهای اجتماعی اقدام نمایند. همچنین رسانه‌ها می‌توانند از طریق تهیه اخبار و گزارش‌های مربوط به فساد مالی، پیگیری و پخش آن، در ترویج فرهنگ فسادستیزی نقش مؤثری داشته باشند و قبح فساد را به گونه‌ای افزایش دهند که تحمل ارتکاب آن، برای جامعه دشوار شود (پالتز، ۱۳۹۲: ۲۵۲).

رسانه‌های آزاد با توجه به کثرت استعمال آن نزد مردم مهم‌ترین ابزارهای آموزش همگانی به شمار می‌روند. آنچه که در بحث پیشگیری از جرم با قالب رسانه آزاد مهم است؛ آن است که پیام مورد پسند مخاطب باشد و غیرمستقیم به مخاطب منتقل شود تا از شکل و شمایل سفارشی بودن خارج شود. این‌گونه پیام‌ها به دلیل ویژگی حقیقی بودنشان در اجتماعی کردن افراد و ترویج فرهنگ امانت‌داری و درستکاری نقش مؤثری ایفا می‌نمایند، که خود در پیشگیری از جرم اختلاس کارآمد است.

۴.۴ ایجاد شفافیت

یکی از زمینه‌های بروز فساد، نبود شفافیت (Transparency) اطلاعات یا انحصاری بودن اطلاعات است. در این راستا، اطمینان از آزادی مردم و رسانه‌ها برای دریافت و ارائه اطلاعات عمومی در زمینه مبارزه با فساد از اهمیت شایانی برخوردار است (الوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴). افزایش شفافیت، خطر کشف و دستگیری مقامات فاسد را افزایش می‌دهد و با ضعف شفافیت، جذابیت منافع فساد بیشتر می‌شود. به این ترتیب رابطه مستقیمی بین شفافیت و کاهش فساد مالی من جمله اختلاس در سازمان‌ها و ادارات دولتی وجود دارد. نخستین بار، "کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل (United Nations Convention against Corruption)"^۲ در سال ۲۰۰۳ ضرورت شفافیت را مطرح کرد؛ کنوانسیون، دول عضو را ملزم می‌کند در جهت افزایش مشارکت‌های فردی و گروهی «در کاهش فساد یا مبارزه علیه آن و افزایش آگاهی عمومی نسبت به وجود، علل و شدت فساد و تهدیدات ناشی از آن» تلاش کنند. منظور از شفافیت، دسترسی مستمر و قابل اعتماد همه ذی‌نفعان به اطلاعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (بیابانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۲). به بیان دیگر شفافیت دربرگیرنده جریان اطلاعات قابل اتکا و روزآمد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که برای همه ذی‌نفعان مرتبط قابل دسترسی باشد (Kaufmann & Bellver, 2005: 4). بسیاری از تعاریف شفافیت بر "در دسترس بودن اطلاعات در مورد فعالیت‌های داخلی یا عملکرد سازمان" تأکید دارند که به نوبه خود باعث افزایش نظارت درون یک سازمان به‌وسیله بازیگران خارجی مانند شهروندان می‌شود (Grimmelikhuijsen et al. 2013: 4). بنابراین این موضوع که تا چه اندازه بخش دولتی شفاف است، در اصل به ظرفیت شهروندان برای دسترسی به اطلاعات پیرامون فعالیت‌های بخش دولتی خود بازمی‌گردد (Etzioni, 2010: 289). شفافیت با در اختیار قرار دادن اطلاعات برای شهروندان و باز کردن اقدامات و اطلاعات برای عموم، به آن‌ها امکان مشاهده و بررسی دقیق را می‌دهد به‌طوری‌که موجب افشای فساد می‌گردد (Fox, 2007: 663).

شفافیت دارای سه عنصر اصلی است، آشکار بودن، حسابرسی و همگانی بودن یا مشارکت و هنگامی که قسمتی از این معادله مفقود می‌گردد سایر قسمت‌ها نیز ضعیف عمل می‌نمایند (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۲۱-۱۳۸). رسانه‌های جمعی در تحقق عناصر اصلی شفافیت نقش بسزایی ایفا می‌نمایند و با ارائه اطلاعات در مرئی و منظر عموم افراد در

فرایند شفاف‌سازی و متعاقباً پیشگیری از فساد مالی کمک شایانی می‌نمایند. این رسانه‌ها با فراهم ساختن اطلاعات در مورد فساد، در ایجاد فضای شفافیت در جامعه مشارکت می‌کنند و فساد را، هم در سطح فردی و هم در سطح سیستماتیک، کاهش می‌دهند. برخی از محققان رویکردی انتقادی نسبت به رابطه بین رسانه‌های خبری و فساد دارند. ویدیا (Vaidya) شواهدی تجربی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد توانایی حکومت در دورزدن دعوای رسانه‌ها می‌تواند قدرت بازدارنده فساد را تضعیف کند (بیابانی و ذوقی، ۱۳۹۷: ۸۷). اتخاذ چنین رویکرد انتقادی نسبت به رسانه و تأثیرگذاری رسانه در شفافیت و پیشگیری از فساد شاید در خصوص رسانه‌های ملی که تحت حاکمیت دولت‌ها می‌باشند صدق نماید لکن در خصوص رسانه‌های آزاد که به عنوان عنصری مستقل، جسورانه اقدام به نشر اخبار و اطلاعات می‌نمایند، صادق نیست.

در زمینه شفافیت و مقابله با فساد اقدامات تقنینی در کشور ایران صورت گرفته است. در این خصوص می‌توان به لایحه جامع شفافیت که در مورخه ۱۳۹۸/۲/۲۵ به تصویب هیئت وزیران رسید، اشاره نمود، در بند الف ماده ۱ لایحه مذکور شفافیت این‌گونه تعریف شده است: «وضعیتی که در آن اطلاعات، صلاحیت‌ها، رفتارها و عملکردهای موسسات مشمول در زمان مناسب و با کیفیت مناسب در معرض دسترسی و استفاده اشخاص ذی‌نفع یا عموم مردم یا مراجع نظارتی قرار می‌گیرد». قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ نیز در ماده ۳ خود "شفاف‌سازی انجام امور و فعالیت‌ها و افزایش پاسخگویی" را از جمله راهبردهای ارتقای سلامت نظام اداری در نظر گرفته است. هم‌چنین می‌توان به قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸/۱۱/۴ اشاره نمود. در ذیل فصل سوم قانون مذکور تحت عنوان ترویج شفافیت، ماده ۱۰ به تکلیف انتشار اطلاعات اشاره می‌نماید و مقرر می‌دارد:

هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی می‌باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست‌کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و ترازنامه (بیلان) خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی الامکان در یک کتاب راهنما... سازد.

رهبر معظم انقلاب نیز در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بند ۱۹: «شفاف‌سازی اقتصادی و سالم‌سازی و جلوگیری از اقدام‌ها، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه پولی و تجاری، ارزی و...» را مورد تأکید قرار دادند.

بررسی میدانی از وضعیت وزارتخانه‌های ایران نشان داد که این وزارتخانه‌ها از لحاظ شفافیت در اطلاعات مالی چندان مناسب نیستند. شاید تفسیر این وضعیت این گونه باشد که با وجود تصویب قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، هنوز این فرهنگ در میان کارکنان و مسئولین وزارتخانه‌ها وجود دارد که اطلاعات دریافت‌ها و پرداخت‌های مالی که از بودجه عمومی کشور صورت می‌پذیرد، هنوز به عنوان اطلاعات طبقه‌بندی شده شناخته شده و نیازی به انتشار آن نباشد. برای تغییر این نگاه، باید با فرهنگ‌سازی در این زمینه نسبت به آگاهی بیشتر مسئولین نسبت به این حق قانونی مردم اقدام نموده تا شفافیت بیشتری در این زمینه شاهد باشیم (نرگسیان و جمالی، ۱۳۹۸: ۲۳۱). برای حل این مسائل است که در نهایت می‌توانیم به کمک رسانه‌های آزاد، اینترنت و از طریق وبسایت‌های سازمانی شفافیت را ارتقا و بهبود ببخشیم.^۳ در چند سال اخیر و با گسترش رسانه‌های آزاد شاهد شفافیت در اطلاعات مالی سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها بوده‌ایم و همین امر موجب کشف گسترده اختلاس‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده، شده است. بی‌شک کارکرد مثبت رسانه‌های آزاد در ایجاد شفافیت و نظارت مردم بر میزان بوجه یک سازمان و مشاهده هزینه کردهای سازمان و به طور کلی نظارت بر عملکرد مالی نهادها و سازمان‌های دولتی موجب پیشگیری از اختلاس نیز می‌شود.

۵.۴ نظارت بر اموال و دارایی کارمندان

یکی از مهم‌ترین عوامل و راهکارها جهت پیشگیری از جرم اختلاس نظارت مستمر بر دارایی و اموال مقامات، همسر و فرزندان آنها می‌باشد. کارمندان و به خصوص مدیرانی که بواسطه شغل خود فرصت ارتکاب اختلاس را دارند، در صورتی که اموال خود را در معرض سنجش از طریق نهادهای نظارتی بدانند میل به ارتکاب جرم آنان پایین می‌آید و احتمال بروز اندیشه مجرمانه کمتر می‌شود؛ زیرا افزایش ناگهانی اموال و دارایی‌های کارمندان و خانواده آنها بدون دلیل موجه و در صورتی که دلیل منطقی برای آن وجود نداشته باشد می‌تواند بیانگر احتمال نامشروع بودن آن باشد و جرم آنان را در معرض افشا قرار دهد. اساساً در تمامی نظام‌های حقوقی و کشورهای مختلف جهان، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های صحت عملکرد مقامات عمومی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های وجود فساد در سیستم اداری، سنجش میزان دارایی صاحب منصبان اداری در طول دوران تصدی‌شان می‌باشد (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

در نظام حقوقی ایران نیز اقدامات تقنینی در این زمینه صورت گرفته است. بر اساس ماده ۱ «قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها» مصوب ۱۳۳۷، کلیه کارمندان مکلف به اعلام دارایی خود می‌باشند. به‌رغم آنکه دلیلی بر نسخ صریح یا ضمنی قانون مزبور در نظام حقوقی ما به چشم نمی‌خورد، عملاً در دهه‌های اخیر اجرائشده و در واقع باید آن را یک قانون متروک دانست (مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۸۸). همچنین در این خصوص می‌توان به اصل ۱۴۲ قانون اساسی^۴ اشاره نمود. از جمله ایراداتی که به اصل مزبور وارد است محدودبودن دامنه افراد مشمول می‌باشد. در راستای ایرادات وارده به اصل ۱۴۲ قانون اساسی و در مقام توسعه افراد مشمول «قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران» پس از فراز و نشیب‌های فراوان در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید. همچنین بخش ششم قانون برنامه ششم توسعه تحت عنوان «نظام اداری، شفافیت و مبارزه با فساد» سازوکارهایی جهت نظارت بر دارایی مسئولین بیان کرده است.

روشن است که صرف مکلف نمودن اشخاص اداری و یا صاحب منصبان به ارائه اطلاعات مالی خود به مراجع ذیصلاح کافی نیست. زیرا فروض مسئله تخلف افراد سودجو و متخلف از انجام تکلیف قانونی است. طبعاً چنین افرادی از ارائه اطلاعات لازم امتناع می‌نمایند و یا اموال خود را از دید مراجع ذیصلاح پنهان می‌نمایند. به این ترتیب لازم است که در خصوص صحت و سقم خود اظهاری کارمندان مبنی بر اموال و دارایی تحت مالکیت خود و اعضای خانواده‌شان ارزیابی دقیق صورت گیرد. تجربه سال‌های اخیر در کشور ایران حاکی از نقل و انتقالات مالی مقامات از حساب‌های بانکی داخلی به حساب‌های خارجی می‌باشد که این موضوع اقتضا می‌کند نظارت دقیقی نیز بر مسئله نقل و انتقالات مالی صورت بگیرد.^۵ موضوع مهمی که در خصوص نظارت و رسیدگی به اموال و دارایی مطرح می‌شود، بحث مشمولان سیستم‌های اعلام دارایی می‌باشد. طبق یک مبنای می‌شود بیان داشت که مقامات سیاسی و مسئولین ارشد معمولاً فرصت‌های بیش‌تر و بزرگ‌تری برای دستیابی به سودهای نامشروع و غیرقانونی دارند، بنابراین ریسک فساد در آن‌ها بالاتر است. اما احتمال آسیب دیدن تضاد منافع و خطر فساد در رده‌های پایین سلسله مراتب نیز وجود دارد. همچنین اگر هدف اطمینان از نظارت بر ثروت است، فرقی نمی‌کند مسئولین در کجای سلسله‌مراتب قرار دارند و در چه حوزه‌ای کار می‌کنند (همایونی، ۱۳۹۵: ۱۰۶). به نظر می‌رسد اتخاذ رویه‌ای بینابین مبنی بر نظارت دارایی

کارمندان مستعد اختلاس بر حسب ماهیت پست سازمانی، حیطة اختیارات، میزان دسترسی به اموال سازمان و مصادیقی از این قبیل مقرون به صواب باشد. سیاست تقنینی جمهور اسلامی ایران بر نظارت حکومت بر دارایی مسئولین تمرکز دارد. صرف سازوکارهای نظارت حکومتی هرچند به خودی خود امری مثبت و تا اندازه ای مؤثر است، با این حال وجود روابط سیاسی خاص در سطوح کلان حکومتی، فقدان نظارت خارجی و جامعوی، درهم تنیدگی ارتباطات بین مقامات حکومتی، گستردگی نهادها و تنوع مقامات در سطوح مختلف و در برخی موارد وجود فساد سیستماتیک و نهادینه شده باعث می‌شود این نوع از مکانیسم‌های نظارتی برای کنترل عملکرد مالی و دارایی‌های مسئولان نه تنها کافی نباشد که در برخی موارد خود به مسئله‌ای چالش زا مبدل شود. علاوه بر این موضوع، گستردگی قلمرو سازمانی و کارمندان مشمول آن‌ها امکان نظارت درونی از ناحیه نهادهای نظارتی دولتی را غیرممکن و هزینه‌بر می‌سازد. وجود رسانه‌های آزاد در هر جامعه‌ای به مثابه چشم و گوش جامعه است که رفتار دستگاه‌های مختلف دولتی را رصد می‌کنند. لذا وجود رسانه‌های آزاد و مستقل مورد اعتماد شهروندان می‌تواند در این زمینه کارآمد باشد و با نظارت مستمر دارایی و اموال کارمندان هم باعث کارایی دولت و هم باعث افزایش اعتماد مردم به حاکمیت و مسئولین و ایجاد همدلی بین مردم و مسئولین می‌شود. همچنین نظارت این رسانه‌ها بر اموال و دارایی کارمندان آن‌ها را زیر ذره‌بین شهروندان قرار داده و هزینه ارتکاب اختلاس را برای کارمندان بالا می‌برد که این امر در پیشگیری از جرم اختلاس مؤثر است.

۶.۴ مطالبه‌گری و پاسخ‌گوسازی عمومی مسئولین

از جمله مواردی که در پیشگیری از فساد مالی و به طور خاص جرم اختلاس ایفای نقش می‌نماید، پاسخگو بودن مسئولین، نهادها و سازمان‌های دولتی در برابر مردم می‌باشد که از آن به پاسخگویی عمومی (public accountability) یاد می‌گردد. به عقیده کیلتگارد (Robert Klitgaard) فساد عبارت است از: «اختیار + قدرت انحصاری - پاسخگویی = فساد». مطابق فرمول کیلتگارد، فساد نتیجه انحصار اختیارات و تمرکز قدرت دولتی در یک نهاد یا شخص است که در عین حال آن نهاد یا شخص صاحب قدرت هیچ محدودیتی از پیرامون احساس نکرده و خود را ملزم به پاسخگویی و توجیه اقدامات و تصمیمات خود نزد عموم مردم نمی‌داند. به بیان دیگر در این مدل فساد برآیند قدرت بدون پاسخ‌گویی و

مسئولیت است (سهراب لو، ۱۳۸۶: ۱۲۴). بنابراین بین پاسخگویی مسئولین و پیشگیری از فساد مالی و جرم اختلاس می‌توان رابطه مستقیمی ترسیم نمود. رسانه‌های آزاد به عنوان یکی از اجزای قدرتمند جامعه مدنی به دلیل وجود استقلال عملکردی در ارائه مطالب در انتقال خواسته‌های مردم به مسئولین و اعمال فشار افکار عمومی بر ساختار حکومت محرک ویژه‌ای در زمینه پاسخگویی محسوب می‌گردند. به عنوان نمونه ریزش بازار سرمایه و افت ناگهانی و سریع شاخص کل بورس ایران در همین ایام موجبات اعتراض سهامداران و شکل‌گیری خواسته‌های مبنی بر تعدیل بازار را به وجود آورد. رسانه‌های آزاد با دامن زدن به این موضوع در اعمال فشار افکار عمومی بر مسئولین و عوامل بازار سرمایه و در نتیجه پاسخ‌گویی آن‌ها و اتخاذ تصمیماتی در زمینه بازگشت روند معاملاتی بازار سرمایه نقش برجسته‌ای را ایفا نمودند. وجود رسانه‌های آزاد تا حد زیادی موجب شده است که دستگاه‌های دولتی و کارمندان به منظور در معرض اتهام قرار نگرفتن به خاطر اموال دولتی که به آن‌ها سپرده شده است، خود را در برابر مردم پاسخگو بدانند و هرچند وقت یک‌بار با ارائه مستنداتی نحوه هزینه کرد سازمان و یا چگونگی هزینه کردن اموالی که به آن‌ها سپرده شده است را به مردم گزارش بدهند. پاسخگو کردن مسئولین راجع به امور مالی قطعاً باعث کاهش میزان جرم اختلاس می‌شود؛ چرا که کارمندان و سازمان‌ها به دلیل ترس از آشکار شدن تخلفشان در زمان ارائه عملکرد مالی خویش سعی می‌کنند هیچ وقت سمت مجاری فساد به ویژه اختلاس نروند.

۵. بایسته‌های استفاده از رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس

۱.۵ آزادی بیان

آزادی بیان (Freedom of expression) در حکومت اسلامی از حقوق اساسی مردم است، در فرهنگ اسلامی انتقاد از حکومت و بیان نظرهای اصلاحی و راهگشا هم حق مردم و هم وظیفه شرعی آنان تلقی می‌شود؛ زیرا با توجه به قلمرو گسترده اصل امر به معروف و نهی از منکر هرکس وظیفه دارد در حد توان خود دیگران را به کار نیک فرمان دهد و از اموری که برخلاف مصلحت دین و جامعه است بازدارد (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

آزادی بیان به عنوان حقی بنیادین در عرصه بین‌المللی و نیز نظام‌های حقوقی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. به موجب ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به محدودیت خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این خصوص بیان می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان را داراست. این حق مستلزم آن است که شخص از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته و در کسب اطلاعات و انتشار آنان به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد». اصل آزادی بیان در قانون اساسی ایران نیز به صراحت به رسمیت شناخته شده است. به موجب اصل بیست و چهارم: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

با وجود به رسمیت شناختن آزادی رسانه‌ها و مطبوعات در نشر و ارائه اخبار و اطلاعات، همواره ایجاد محدودیت در این خصوص احساس می‌شود به گونه‌ای که اصحاب رسانه و مطبوعات با نوعی چالش در این خصوص مواجه‌اند. تقریباً در اکثر نظام‌های حقوقی حق بر آزادی بیان به صورت مطلق مورد پذیرش قرار نگرفته است و مواردی به عنوان استثناء با کاستن محدوده حق مزبور در اعمال این حق محدودیت ایجاد می‌نمایند. اگر به دلایل مختلف، دولت در برابر مقوله فساد کارمندان طوری جبهه‌گیری کند که هر نوع گزارشی از فساد به معنای زیر سؤال بردن نظام قلمداد شود، این امر منجر به ایجاد محدودیت در کارکرد رسانه‌ای و تعطیلی عملکرد این نهاد در اطلاع‌رسانی از موارد فساد خواهد شد و در کار آمدن بودن رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس تأثیر منفی خواهد داشت. در صورتی که رسانه‌های آزاد متوجه فساد شدند و موردی از موارد فساد را کشف کردند، حکومت به عنوان نماینده مردم باید استقبال کرده و موضوع را پیگیری کند. نباید در مقابل این گزارش‌ها جبهه‌گیری کرده و به طور منفعلانه بار اثبات را بر دوش آن شخص قرار دهند تا از خود دفاع کند یا به بهانه هتک حیثیت اشخاص یا تشویش اذهان عمومی به اتهام نشر اکاذیب یا افترا در فعالیت این نوع رسانه‌ها ممنوعیت ایجاد نمایند. فلذا آزادی بیان باید ضمانت اجرای مناسب و قوی داشته باشد. در غیر این صورت نه انتشار اطلاعات صورت می‌گیرد و نه رسانه‌ها آزاد خواهند بود که به تحقیق در خصوص اعمال کارمندان دولت بپردازند و سوءاستفاده‌ها را افشاء نمایند لذا رسانه‌های آزاد و مستقل، در صورت وجود آزادی بیان، هم به عنوان ابزار قدرتمند در

عرصه چرخه آزاد اطلاعات نمود می‌یابند، هم ابزار کنترلی و نظارتی محسوب می‌شوند که به ایجاد یک فضای شفاف در جامعه کمک شایانی می‌کنند (میل، ۱۳۸۵: ۹۷). لکن ایجاد محدودیت در آزادی بیان از جمله چالش‌های فراروی رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس می‌باشد.

۲.۵ دسترسی آزاد به اطلاعات

رسانه‌های آزاد برای اینکه بتوانند به نحو مطلوبی در سیاست پیشگیری از جرم اختلاس مفید واقع شوند باید به اطلاعات مورد نیاز دسترسی داشته باشند. پیش شرط اساسی برای تحقق آزادی بیان، حق دسترسی آزاد به اطلاعات است. به عبارت دیگر آزادی بیان بدون دسترسی افراد به اطلاعات درست و سنجیده امکان‌پذیر نیست؛ زیرا افراد باید بتوانند اطلاعات مختلف را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند تا بتوانند عقاید خود را به درستی شکل دهند و سپس به انتشار آن‌ها بپردازند (دهکردی و افراسیابی، ۱۳۹۴: ۷۸). حق مزبور دارای دو مفهوم مضیق و موسع است. در مفهوم مضیق این حق ناظر به آزادی در جست‌وجوی اطلاعات است. در مفهوم موسع این حق به آزادی در دسترسی به اطلاعات یا دریافت اطلاعات مربوط می‌شود. دولت در رابطه با این حق دو دسته تعهد را بر عهده دارد. تعهدات سلبی که مربوط به عدم ایجاد مانع در مسیر تحقق این حق است. تعهدات ایجابی که ناظر به فراهم نمودن وسایل و امکانات لازم برای دسترسی شهروندان به اطلاعات است (دهکردی و افراسیابی، ۱۳۹۴: ۷۶). از این رو دولت‌ها همواره بر خود لازم می‌دانند، با وضع قوانین مفید به اجرای مؤثر و کارای این حق بشری کمک کنند. قانون‌گذار ایران نیز همین رویه را برگزیده و با ذکر این حق در «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» به تبیین هرچه بیشتر آن پرداخته است. قانون مذکور ضمن به رسمیت شناختن حق دسترسی به اطلاعات و مکلف نمودن مؤسسات عمومی به ارائه اطلاعات خالی از ایراد نیست و حق دسترسی به اطلاعات را با مانع مواجه می‌کند. ماده ۲ قانون مزبور در مقام تصریح حق دسترسی به اطلاعات بیان می‌کند: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد مگر اینکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آن‌ها تابع قانون و مقررات مربوط خواهد بود». مقنن در مقام تعیین حدود حق دسترسی به اطلاعات عبارت مبهم "مگر آنکه قانون منع کرده باشد" را ذکر کرده است. درحالی‌که قانون‌گذار باید صراحتاً محدودی حق افراد را در دسترسی به اطلاعات

مشخص کند و دست شهروندان را با ذکر چنین جمله‌ی مبهمی نبندد. ماده ۱۰ بیان می‌کند:

هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی است، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست‌کم به طور سالانه، اطلاعات عمومی شامل عملکرد و ترازنامه خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی‌الامکان در یک کتاب راهنما منتشر سازد.

با توجه به مراتب فوق دسترسی به اطلاعاتی که متضمن نوعی تخلف و ارتکاب فساد می‌باشد و اعلان آن در پیشگیری از جرم اختلاس می‌تواند کارآمد باشد، نباید با قید اطلاعات طبقه‌بندی‌شده با محدودیت مواجه شود. در واقع می‌توان گفت دسترسی به اطلاعات باعث ایجاد شفافیت می‌شود که از یک سو باعث سلب انگیزه مرتکبان احتمالی از فساد شده و از سوی دیگر احتمال شناسایی افراد فاسد را افزایش می‌دهد (بهره‌مند بگ نظر، ۱۳۸۷: ۱۲۰). فلذا رسانه‌های آزاد به عنوان پل ارتباطی شهروندان با دولت باید حق دسترسی به اطلاعات را داشته باشند تا بتوانند در عرصه پیشگیری از جرم اختلاس موثر واقع شوند.

۳.۵ بی‌طرفی رسانه‌ای

از جمله مواردی که رسانه‌های آزاد باید آن را رعایت نمایند حفظ استقلال و بی‌طرفی در نشر و اعلان اخبار و اطلاعات است. بی‌طرفی رسانه‌ای (Media Impartiality) اصلی انکارناپذیر در اصول اولیه خبرنگاری است و شکل متعالی فعالیت رسانه‌ها، فعالیت‌های بدون جهت‌گیری و به نفع عموم مردم است. مک کوایل (Denis McQuail) در بیان مفهوم بی‌طرفی می‌نویسد: اصل متداول بی‌طرفی، دعوت به تعادل (equality) در انتخاب و استفاده از منابع، انعکاس دیدگاه‌های مختلف و همچنین خنثی بودن (طبیعی و بی‌طرف بودن) در ارائه اخبار، یعنی جداسازی وقایع از افکار و خودداری از قضاوت‌های ارزشی یا استفاده از زبان و تصاویر احساسی است (شرف‌الدین و کوهی، ۱۳۹۶: ۱۰۲). به طور کلی سه گونه نظریه در رابطه با امکان یا عدم امکان بی‌طرفی رسانه‌ای وجود دارد، عده‌ای از محققان بر رعایت بی‌طرفی در اخبار تأکید داشته و آن را امری دست‌یافتنی می‌دانند و عده‌ای نیز معتقدند بی‌طرفی رسانه و رعایت بی‌طرفی در اخبار امری محال و دست‌نیافتنی می‌باشد و

رسانه بی‌طرف در جهان وجود ندارد. گروه سوم از نظریه‌پردازان معتقدند که مردم باید رعایت بی‌طرفی در اخبار را در رسانه‌ها باور داشته باشند، اما رسانه‌ها لزومی به رعایت بی‌طرفی ندارند و می‌توانند جهت‌گیری پنهان داشته باشند. رعایت بی‌طرفی در خصوص انتشار اخبار و اطلاعات راجع به موضوعاتی که با حقوق عامه ارتباط مستقیمی دارد از جمله موارد فساد مالی و اختلاس بیش از سایر موارد ضروری به شمار می‌آید.

رسانه‌ها برای اینکه بتوانند به عنوان ابزاری جهت پیشگیری از جرم اختلاس عمل نمایند حتی‌الامکان باید با حفظ استقلال و بی‌اعتنایی به جریان‌های سیاسی و نفوذ مرتکبین این جرایم به نشر اخبار و اطلاعات پردازند؛ زیرا از آنجایی که جرایمی مثل اختلاس غالباً توسط اشخاص ذی‌نفوذ سیاسی و اجتماعی یا به اصطلاح مجرمین یقه‌سفید (White-collar criminals) ارتکاب می‌یابد جهت عدم کشف جرم، احتمال تحت‌الشعاع قرار دادن اخبار رسانه‌ها کماکان وجود دارد. چنانچه رسانه‌ها از نفوذ سیاسی اشخاص و دستگاه حاکمیت مستقل نباشند، اقدامات آن‌ها برای بالا بردن آگاهی‌های مردم تلاش بیهوده‌ای خواهد بود؛ زیرا این امکان وجود دارد که اطلاعات ناقص موجود در دست‌رس رسانه‌ها و همچنین وابستگی سیاسی آن‌ها، رسانه‌ها را به عاملی مبدل سازد که به جای مبارزه با فساد در نهادهای عمومی، به تظہیر وجهه این نهادها پردازد (بهره‌مند بگ نظر، ۱۳۷۸: ۱۳۱). بی‌طرفی یکی از ویژگی‌های رسانه‌های آزاد است. وجود این ویژگی در رسانه‌های مذکور سبب شده که بدور از وابستگی به جناح یا حزبی نقش موثری در پیشگیری از جرم اختلاس داشته باشد.

۶. مخاطرات استفاده از رسانه‌های آزاد در پیشگیری از جرم اختلاس

۱.۶ نقض حریم خصوصی افراد

یکی از مسائلی که امروزه و همراه با رشد جامعه‌ی بشری جایگاهی ویژه‌ای یافته است، بحث حریم خصوصی افراد و حق خلوت (Privacy Right) آنان است. اگر بخواهیم تعریفی جامع و مانع از حریم خصوصی ارائه دهیم، حریم خصوصی، آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی، برخوردار می‌باشد و هر گونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

حریم خصوصی افراد به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر تحت عنوان حق بر حریم خصوصی مورد اشاره اسناد حقوق بشری قرار گرفته است.^۷ از جمله ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت‌گاه و مکاتبات خود مورد تعرض خودسرانه واقع شده و شرافت و آبرویش مخدوش گردد». همچنین ماده ۱-۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۸ که بر اساس آن: «هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود». در حقوق داخلی نیز قانون اساسی کشورمان ضمن اشاره به حق بر حریم خصوصی به صیانت از آن نیز پرداخته است. بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل ۲۵ قانون اساسی نیز در این خصوص مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

از جمله مخاطرات و چالش‌های اساسی که رسانه‌ها از جمله رسانه آزاد با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند حریم خصوصی افراد می‌باشد. یکی از موارد اساسی در پیشگیری از جرم اختلاس وجود شفافیت مالی و نظارت عمومی بر عملکرد مالی کارمندان مستعد فساد می‌باشد که رسانه‌های آزاد در تحقق این موضوع نقش عمده‌ای ایفا می‌نمایند. لکن شمولیت میزان دارایی افراد و نقل و انتقالات مالی آن‌ها در حوزه حریم خصوصی ممکن است رسانه‌های آزاد را با چالش نقض حریم خصوصی افراد و در معنای موسع کلمه نقض حقوق بشر مواجه سازد. در این خصوص ما با دو نوع از حق تحت عنوان حق جامعه به دانستن و حق بر حریم خصوصی مواجه هستیم که در تلاقی این دو حق در بعضی موارد به عنوان استثناء می‌توان حق جامعه از دانستن را به حق بر حریم خصوصی افراد رجحان داد. در این راستا باید بین اشخاص عادی و مسئولین و اشخاص واجد سمت اجرایی که مستعد ارتکاب فسادهای مالی من جمله اختلاس در سطح کلان می‌باشند قائل به تفکیک شد. صاحب منصبان سیاسی و اجرایی، به لحاظ موقعیت و اختیاراتی که به دست می‌آورند باید برای حفظ سلامت آنان و جامعه تحت نظارت قرار گیرند. در اعمال این‌گونه نظارت‌ها ممکن است گاهی حریم خصوصی آنان در زمینه اطلاعات و

اسرار شخصی نقض گردد. هرچند در وضعیت عادی هرکس میزان دارایی و چگونگی درآمد خود را از جمله مسائل بسیار محرمانه و شخصی خود می‌داند ولی وقتی منصب سیاسی و اجتماعی خاصی را پذیرفت، باید برای جلب اعتماد مردم و بقاء آن به نحوی شفاف و روشن برخی از اطلاعات شخصی خود را در اختیار آنان قرار دهد و در حقیقت مرز حریم شخصی او با توجه به وضعیت و شرایط شغلی‌اش تغییر نموده و نسبت به افراد عادی محدودتر می‌گردد (محسنی، ۱۳۸۴: ۸۱). اگرچه حق جامعه بر دانستن نسبت به حق حریم شخصی مسئولین سیاسی و اجرایی و به طور کلی اشخاص مستعد ارتکاب فساد مالی اولویت دارد، اما این موضوع نباید مورد سوءاستفاده رسانه‌های آزاد قرار گیرد و به لایه‌های زندگی خصوصی افراد که ارتباطی با منافع جمعی و جامعه ندارد به بهانه منفعت جمعی ورود پیدا کنند. بنابراین از جمله مخاطرات فراروی رسانه‌های آزاد در امر پیشگیری که رسانه‌ها آزاد باید به آن جامعه عمل پوشانند محترم شمردن حریم خصوصی افراد و عدم نقض آن می‌باشد.

۲.۶ اتهام افکنی

از جمله مخاطرات فراروی رسانه‌های آزاد الصاق کاذب برچسب مجرمانه به افراد و تخدیش حیثیت و شخصیت افراد می‌باشد. این امر به مراتب در تزلزل جایگاه اجتماعی افراد نقش مستقیمی ایفا می‌نماید و می‌تواند موجبات طرد فرد از جامعه را فراهم نماید. خصیصه انگ زنی هرچند به طور فیزیکی شخص مجرم را از صحنه جامعه حذف نمی‌کنند، به طور معنوی او را حذف می‌نمایند که اثرات منفی آن به مراتب از حذف فیزیکی بیشتر است؛ چرا که با از بین رفتن حیثیت و سلب هویت و سرمایه اجتماعی مجرم، دیگر جایگاه چندانی برای وی در جامعه باقی نمی‌ماند و جامعه نیز چندان پذیرای او در امور اجتماعی و گروه‌های جمعی نمی‌باشد (منصورآبادی و زارع، ۱۳۹۶: ۷۸).

در نظام حقوقی ایران مقنن جهت پیشگیری از انتشار اخبار کذب و هتک حیثیت اشخاص به جرم انگاری این رفتار پرداخته است^۹ لکن صرف جرم انگاری تدبیر مناسب و کافی در این خصوص نمی‌باشد. یکی از چالش‌های استفاده‌کنندگان رسانه‌های آزاد این است که به راحتی نمی‌توانند برچسب جرم آمیز و فساد را در این فضا تشخیص دهند در فضای مجازی هر فردی به راحتی می‌تواند محتوا منتشر و دیگران را به اختلاس محکوم کند. به این ترتیب بالا بودن سواد رسانه‌ای (Media literacy)^{۱۰} در کنار قدرت

انتشار فضای مجازی باید وجود داشته باشد تا کارکرد نظارتی مبارزه با اختلاس از طریق رسانه‌ها به خوبی تحقق یابد. اگر در سازمانی اختلاسی رخ می‌دهد، مسئولان حوزه‌های مرتبط به سرعت گزارش آن را به مردم اطلاع‌رسانی کنند و در برابر این اقدام خود به مردم پاسخ‌گو باشند، جلوی بسیاری از شایعات گرفته می‌شود و اعتماد عمومی خدشه‌دار نمی‌شود. بنابراین در کنار وجود سازوکار نظارتی بر عملکرد رسانه‌های آزاد، پاسخ‌گویی نهادها و مسئولین حوزه‌های مرتبط و همچنین بالا بردن سواد رسانه‌ای شهروندان می‌تواند اثرات منفی بر چسب کذب به افراد را کاهش دهد.

۳.۶ عوام‌گرایی کیفری

رسانه‌ها با ایجاد موجی از ترس‌های اخلاقی (moral panic) ^{۱۱} نسبت به جرم، گاه سبب تولید پدیده‌ای در نظام‌های عدالت کیفری می‌شوند که می‌توان از آن با نام عوام‌گرایی کیفری (penal populism) یا به عبارتی دیگر «سخت‌گیری عوام‌گرایانه» (Papulist Punitiveness) یاد نمود. عوام‌گرایی کیفری هنگامی ظهور می‌کند که سیستم عدالت کیفری برای پاسخ‌گویی به نگرانی‌های عمومی، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی که مورد تأیید کارشناسان و نخبگان است، به راه‌حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارند متوسل شود. یکی از مجرای اصلی شکل‌گیری سیاست‌های کیفری عوام‌گرا رسانه‌های آزاد می‌باشند که با نشر اخبار و اطلاعات پیرامون جرایم و مفاسد اقتصادی با شگردهای گوناگون من جمله اغراق در اعداد و ارقام، انتخاب تیترهای احساسی، مطالبه اشد مجازات از مقامات قضایی برای مقابله با مفسدین و... به موج عوام‌گرایی دامن می‌زنند. تجربه اخیر کشور ایران در حوزه مقابله با جرایم اقتصادی حاکی از اتخاذ سیاست عوام‌گرا در مقابل مفسدین اقتصادی بوده مانند تسریع و کوتاه کردن فرآیند رسیدگی، محدود کردن حقوق متهم و محکوم، صدور مجازات‌های شدید و رسیدگی در دادگاه‌های اختصاصی و مواردی از این قبیل - که تأثیر رسانه‌ها در این خصوص انکارناپذیر است. این در حالی است که رویکرد عوام‌گرا در مقابله با مفاسد اقتصادی راه به جایی نمی‌برد و صرفاً مسکن موقتی است که کارایی درمان را ندارد. بنابراین رسانه‌های آزاد باید در تحقق رسالت پیشگیری از جرم اختلاس به نحوی عمل نمایند که رنگ و بوی عوام‌گرایی و تحریک به کیفر گرایی از اقدامات آن‌ها منتج نگردد.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شیوع ارتکاب جرم اختلاس علاوه بر اینکه هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی سنگینی بر دولت و کل نظام اقتصادی کشور تحمیل می‌کند، اساس و مشروعیت دولت‌ها را زیر سؤال می‌برد. از آنجایی که پیچیده و فنی بودن، عدم وجود آثار مادی، دشواری کشف و زیاد بودن رقم سیاه از ویژگی‌های بارز جرم اختلاس است، می‌بایست راهکارهای پیشگیرانه در درجه اول اهمیت قرار گیرد. گسترش استفاده از رسانه‌های آزاد منجر به ظهور عرصه نوینی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در فرایند توسعه کشورهای جهان سوم شده است. دولتمردانی که از این روند به خوبی آگاهند به این نوآوری نه به چشم تهدید بلکه به چشم فرصت می‌نگرند. مهمترین و اصلی‌ترین مطالبه مقام معظم رهبری در مباحث حکمرانی فضای مجازی که باید مورد توجه و اهتمام همگان به خصوص دولت و قوه قضائیه واقع شود، استفاده بهینه از این فضا برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران است.

استفاده از رسانه‌های آزاد در امر پیشگیری از جرم اختلاس یکی از کارکردهای موثر فضای مجازی است که متأسفانه جدی تلقی نشده و برنامه‌ریزی خاصی در این زمینه صورت نگرفته است. برآیند نوشتار حاضر این است که رسانه‌های آزاد با کمک به استقرار نظام شایسته‌سالار، فشار به دولت در جهت تأمین معیشت کارمندان و توجه به مسئله آموزش و مهندسی فرهنگی، ایجاد شفافیت، نظارت بر اموال و دارایی کارمندان و با جریان بخشیدن به مطالبه‌گری و پاسخگو سازی عمومی مسئولین می‌توانند زمینه‌های جرم‌زای اختلاس را کاهش یا حتی خنثی نمایند. با این حال نباید از دو موضوع کلیدی غافل شد؛ اول این که کارآمدی و توفیق هر چه بیشتر رسانه‌های آزاد در گرو آزادی بیان، دسترسی آزاد به اطلاعات و بی‌طرفی رسانه‌ای است و دوم آنکه، استفاده از ظرفیت‌های رسانه آزاد برای پیشگیری از جرم اختلاس ممکن است برخی تسوالی نامطلوب نظیر نقض حریم خصوصی افراد، اتهام افکنی و عوام‌گرایی موجبات نقض غرض را فراهم کند و نتیجه پیشگیری از جرم اختلاس را تا سر حد جا به جا شدن جرم از اختلاس به جرایم دیگر فروکاهد.

باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر، محقق به دست اندرکاران و متولیان مسئول در زمینه پیشگیری از جرم اختلاس توصیه می‌کند در هریک از زمینه‌های سیاستگذاری شامل سیاست‌گذاری رسانه‌ای و سیاستگذاری حقوقی به تدوین راهکارهایی درخور پردازند، تا

هم کارآمدی رسانه های آزاد را بالا ببرند و هم از توالی نامطلوب استفاده از این نوع رسانه‌ها اجتناب ورزند. ازجمله این پیشنهادها:

- در حوزه سیاست گذاری رسانه ای به متولیان امر پیشنهاد می شود از طریق شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی پیشگیری از جرم و سایر نهادهای مسئول در امر فضای مجازی در عرصه سیاست‌گذاری، سخت افزاری و نرم افزاری و فرهنگی رویکرد مخاطب محور اتخاذ کنند. در عرصه سخت افزاری و نرم افزاری به طراحی شبکه های اجتماعی مجازی بومی و ملی مولد، تحلیل گرا، علمی، دانش بنیان در عین حال دارای محتوای جذاب برای مخاطب اقدام کند و در کنار آن در عرصه سیاست‌گذاری و فرهنگی نیز، با تدوین قوانین مناسب در راستای افزایش سواد و اخلاق رسانه ای افراد جامعه اقدام نمایند تا استفاده کنندگان از رسانه های آزاد توان بیشتری در شناخت و درک محتوای رسانه ها، تحلیل، تفسیر و نقد آنها و نتیجتاً توان تفکیک اخبار کذب از اخبار موثق را داشته باشند تا از مخاطرات و پیامدهای منفی رسانه های آزاد جلوگیری شود و جامعه نیز نسبت به مشکلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فضای مجازی مصونیت بیشتری داشته باشد.
- در حوزه سیاست گذاری حقوقی در قوانین ایران، در هیچ یک از مصوبات مرتبط با فساد و اختلاس، نقش رسانه ها آزاد در امر پیشگیری از جرم اختلاس شناسایی نشده است، لذا پیشنهاد می گردد قوانین جامعی در این زمینه تصویب گردد.
- تشکیل کارگروه تخصصی مشتمل بر متخصصان حوزه‌های جرم شناسی، رسانه و جامعه شناسی، تا با ایجاد یک برنامه مدون به مباحث نظری این حوزه که دارای اهمیت بسزایی است، جنبه عملی و کاربردی دهند.
- تقویت فرهنگ مطالبه گری از طریق رسانه های آزاد؛ بدین نحو که با توجه به ظهور و بروز رسانه های آزاد و استفاده اکثریت مطلق مردم از این شبکه ها افراد با تشکیل گروه هایی و ایجاد هشتکها در فضای رسانه های آزاد، پیگیر عملکرد کارکنان دولت باشند تا با مطالبه گری افراد جامعه و ترس کارمندان از افشای اسرار، آنها پاسخ گو شوند و از این طریق نوعی پیشگیری وضعی بر بزهکاران بالقوه اختلاس ایجاد شود. مانند هشتک «نه به حقوق های نجومی مدیران» که اخیراً بسیاری از مدیران را در رسانه های آزاد مجبور به پاسخ گویی در برابر مردم کرد.

- با توجه به چند بُعدی بودن رفتار اختلاس و میان رشته بودن رهیافت پیشگیری پیشنهاد می گردد قوای حکومتی (مقننه، قضائیه و اجرائیه) با همراهی و همیاری نهادهای اجتماعی (جامعوی) با در دست داشتن مدیریت رسانه های آزاد داخلی و بین المللی به مبارزه با این پدیده بپردازند و موضوع مطمح نظر را صرفاً به یک دستگاه مسؤل مستقیم واگذار نکنند؛ شایسته است کلیه نهادهای دولتی و جامعوی برای برخورد پیشگیرانه وارد عرصه شوند.

پی نوشتها

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده باعنوان «رویکرد حقوق کیفری ایران به جرم اختلاس با تاکید بر سیاست جنایی قضایی» در دانشگاه مازندران است.
۲. کنوانسیون مذکور معروف به کنوانسیون مریدا در ۲۹ سپتامبر سال ۲۰۰۳ در مریدا مکزیک به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و پس از آن برای امضای دولت‌ها مفتوح بود و بالاخره مورد استقبال اکثریت دولت‌ها قرار گرفت. «مریدا» نخستین توافق بین المللی است که بیش از ۴۰ هیئت در ابتدا و تا به امروز بیش از ۱۶۰ کشور به آن ملحق شده است و اولین سند قابل اجرای بین المللی است که منحصراً به فساد پرداخته و رویکردی پیشگیرانه در قبال این مسئله اتخاذ کرده است. دولت ایران در سال ۲۰۰۳ این سند را امضا کرده و مجلس شورای اسلامی در قالب «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» در سال ۱۳۸۵ آن را تصویب و مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را در سال ۱۳۸۷ تأیید کرد. در نهایت ایران در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۸۸ رسماً به عضویت این کنوانسیون درآمد.
۳. در گزارش منتشر شده در سایت کاخ سفید در سال ۲۰۰۹ در ایالات متحده آمریکا برای افزایش شفافیت در انجام امور و بهبود در پاسخگویی، سایت هایی ایجاد شده اند که اجازه دسترسی به اطلاعات مربوط به مخارج دولت را فراهم می آورند. این سایت ها به منظور بالابردن نظارت عمومی بر طرح های دولت و شناسایی و حذف سریعتر طرح های بدون فایده ایجاد شده اند. بسیاری از دولت های ایالتی نیز سایت های مشابهی برای نظارت مردم بر مخارج دولت و افشای ضایعات و تقلب ایجاد کرده اند (نرگسیان و جمالی، ۱۳۹۸: ۲۳۸-۲۳۷).
۴. «اداری رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضایه رسیدگی می شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد»

۵. دولت چین برنامه‌ای را به اجرا درآورده است که براساس آن بر نقل و انتقالات مالی مقامات از حساب‌های بانکی داخلی به حساب‌های خارجی نظارت گسترده خواهد شد و از فرار مقامات فاسد به کشورهای دیگر جلوگیری به عمل می‌آید. به گزارش الف به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، دولت چین اعلام کرده است در راستای ریشه‌کن کردن فساد مالی در سطوح مقامات دولتی این کشور به شدت بر نقل و انتقالات مالی مقامات این کشور نظارت خواهد کرد تا بدین ترتیب مسیر برای نقل و انتقال پول توسط مقامات فاسد به حساب‌های خارج هموار نباشد. اجرای این طرح جدید دولت چین در ۱۰ منطقه این کشور آغاز شده است و وزارت نظارت در این کشور مسئول اصلی این اقدامات است. این طرح جدید دولت چین برای مهار فساد مالی در این کشور انجام شده است. بانک مرکزی چین در گزارش اخیر خود اعلام کرد که هزاران نفر از مقامات فاسد در این کشور از اواسط دهه ۹۰ بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار از پول بیت المال را دزدیده‌اند و به خارج از چین منتقل کرده‌اند. مقصد بیش‌تر این پول‌ها آمریکا بوده است. دولت چین اعلام کرده است که اجرای دقیق این طرح مستلزم نظارت دقیق بر سفرهای خارجی مقامات و خانواده‌های آن‌ها و همچنین نظارت بر انتقال دارایی‌های ارزشمند آن‌ها به خارج از چین است. دولت چین مقامات محلی این کشور را موظف کرده تا جزئیات بیشتری را در مورد پرونده‌های فساد مالی به دولت مرکزی ارائه کنند و از فرار مقامات فاسد به خارج از چین با هدف حفاظت از وجهه چین و منافع ملی این کشور جلوگیری به عمل آورند. چین در چند سال اخیر در اقدامی جدی با همکاری چند کشور تعدادی از مقامات فاسد را برای محاکمه به چین بازگرداند. براساس این طرح تمامی مقامات و کارمندان دولتی چین لازم است آمار سفرهای خارجی و همچنین دلیل سفرهای خود را به صورت مکتوب اعلام کنند. پیش از این فقط مقامات ارشد دولتی موظف بودند جزئیات سفرهای خارجی‌شان را ارائه کنند اما این طرح برای همه مقامات در تمامی سطوح لازم الاجرا شده است (غمامی، ۱۳۹۰: ۳۶).

۶. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه شود به: سلطانی پور، سمانه و نصر اللهی کاسمانی، اکبر (۱۳۹۸). «بی طرفی رسانه‌ای و تأثیر آن بر رعایت حقوق بشر در رسانه»، مجله اخلاق زیستی، شماره ۳۱، صص ۱۴۰-۱۵۷.

۷. اهمیت و ارزش حریم خصوصی افراد در دین مبین اسلام نیز مورد اشاره قرار گرفته است از جمله آیه ۱۲ سوره حجرات با این مضمون که: **لَا يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتِنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَآ تَجَسَّسُوا**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و نسبت به اسرار دیگران تجسس نکنید.

۸. کشور ایران در سال ۱۳۵۴ مفاد میثاق حقوق مدنی و سیاسی را در مجلس قانون‌گذاری به تصویب رسانده است. طبق ماده ۹ قانون مدنی آن دسته از کنوانسیون‌هایی که در مجلس قانون‌گذاری تصویب می‌شود در حکم قانون بوده و لازم الاجرا است.
۹. به عنوان نمونه مراجعه شود به ماده ۶۹۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ و همچنین ماده ۳۰ قانون مطبوعات.
۱۰. سواد رسانه ای مجموعه ای از چشم اندازها است که ما به طور فعالانه برای قرارگرفتن در معرض رسانه از آنها بهره برداری می‌کنیم تا معنای پیام‌هایی که با آنها مواجه می‌شویم را تفسیر کنیم. (پاتر، ۱۳۹۱: ۶۱)
۱۱. هراس اخلاقی به حساسیت بالای مردم به برخی مسائل اجتماعی که نوعاً به عنوان تهدید نظم اجتماعی مطرح می‌شود، گفته می‌شود. این آموزه نخستین بار توسط استنلی کوهن در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. به نظر وی در دوران هراس اخلاقی برخی از افراد، گروه‌ها و یا شرایط به عنوان تهدیدی بر ارزش‌ها و هنجارهای حاکم معرفی می‌شود. در این بین رسانه‌ها نقشی مهم و انکارناشدنی در ایجاد و یا تشدید هراس اخلاقی دارند. رسانه‌ها با اغراق در خصوص اهمیت و شدت موضوع نگرانی مردم و سیاستمداران را بر می‌انگیزند (نجفی ابرنآبادی و سید زاده ثانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

کتاب‌نامه

- اسکندری، مصطفی. «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، حکومت اسلامی، سال پانزدهم، زمستان، شماره ۴، صص ۱۷۶-۱۴۷. ۱۳۸۹ ش.
- الوانی، سید مهدی، زرنیدی، سعید و عرب سرخی، ابوذر. «مؤلفه‌های تدوین استراتژی ملی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مدیریت دولتی، شماره ۴، صص ۲۲-۳. ۱۳۸۹ ش.
- بهره‌مند بگ نظر، حمید. «نقش جریان آزاد اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد»، مجلس و راهبرد، شماره ۵۸، صص ۱۳۸-۱۱۵. ۱۳۸۷ ش.
- بیابانی، غلام حسین. «نقش رسانه در پیشگیری از جرم»، فصلنامه علمی رسانه، شماره ۹۲، صص ۴۲-۳۳. ۱۳۹۲ ش.
- بیابانی، غلام حسین و ذوقی، بهنام. «رسانه‌ها ابزاری برای ترویج شفافیت و مقابله با فساد مالی»، فصلنامه علمی رسانه، شماره ۱۱۲، صص ۱۰۶-۸۵. ۱۳۹۷ ش.
- بیابانی، غلام حسین، عصار، محمد تقی و مظفری، افسانه «شفافیت رسانه‌ای در مقابله با فساد و جرم سازمان‌یافته»، فصلنامه علمی رسانه، شماره ۱۰۵، صص ۸۵-۶۴. ۱۳۹۵ ش.

کارکرد رسانه‌های آزاد در کنترل جرم اختلاس؛ ... (امین رادمان و دیگران) ۱۰۳

پاتر، جیمز، مبانی سواد رسانه ای، مترجمان صدیقه بیران و دیگران، چاپ اول، تهران، انتشارات تاویل، ۱۳۹۱ ش

پالتز، دیوید. ارتباطات سیاسی در عمل، ترجمه مهدی شفقتی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش. ۱۳۹۲ ش.

حسنی، کاوه، شیخ اسماعیلی، سامان و مقصودی، کیهان «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های شایسته‌سالاری در مدیران و کارکنان مؤسسات آموزشی»، نشریه علمی فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۲ (پیاپی ۸۴)، صص ۱۴۰-۱۱۹. ۱۳۹۲ ش.

خانیک، هادی و بابائی، محمود. «فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی، مفهوم و کارکرد ها» فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه اطلاعاتی، شماره ۱، صص ۹۶-۷۱. ۱۳۹۰ ش

رهبری، محمد. شبکه‌های اجتماعی مجازی و آنومی‌های نوظهور در ایران، چاپ دوم، تهران، کویر، ۱۳۹۹ ش

سلطانی پور، سمانه و نصر اللهی کاسمانی، اکبر، «بی طرفی رسانه ای و تأثیر آن بر رعایت حقوق بشر در رسانه»، مجله اخلاق زیستی، شماره ۳۱، صص ۱۴۰-۱۵۷. ۱۳۹۸ ش.

سلیمان دهرکدی، الهام و افراسیابی، علی. «حق دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی بین‌المللی و ملی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۲۱، صص ۱۰۰-۷۵. ۱۳۹۴ ش.

سهراب لو، پدرام. «تبیین نسبت آزادی مطبوعات و مفاصد اقتصادی؛ پیشگیری و مقابله»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۱۹. ۱۳۸۶ ش.

شرف‌الدین، سید حسین و کوهی، احمد. «تطورات اصل عینیت‌گرایی و بی‌طرفی در اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ها»، دین و سیاست فرهنگی، سال سوم، پاییز و زمستان، شماره هفتم، صص ۱۳۰-۹۵، ۱۳۹۵ ش.

شریعتی، سعید. حقوق ملت و دولت در قانون اساسی، تهران، نشر کانون اندیشه جوان. ۱۳۸۴ ش.

غلامی، نبی‌اله. یسگیری از جرایم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی ۱۳۹۸ ش.

غمامی، سید محمد مهدی. «چرا دولت کمتر به اختلاس‌ها پس می‌برد؟»، نشریه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۶، صص ۳۶-۳۵. ۱۳۹۰ ش

طالبی، ابراهیم و هاشمیان فر، سید علی «فهم جامعه شناختی از شایسته‌سالاری، وجدان کاری و تعهد و تأثیر آن بر کاهش فساد، هنجار شکنی و جرم»، ماهنامه آفاق علوم انسانی، شماره ۳۴، صص ۷۶-۶۱. ۱۳۹۸ ش.

گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ هشتم، تهران، نشر نی. ۱۳۹۲ ش.

محسنی، فرید «پیشگیری از فساد اداری با تأکید بر فناوری اطلاعات»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۱، صص ۱۷۴-۱۳۹. ۱۳۹۲ ش.

- محسنی، فرید «تلاقی حریم شخصی و آزادی اطلاعات در حقوق ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۳۶ و ۳۷، صص ۹۰-۷۱. ۱۳۸۴ ش.
- مک کوایل، دنیس. درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ۱۳۸۲ ش.
- منصورآبادی، عباس و زارع، محمد کاظم. «انگ زنی به اشخاص متهم و محوم کیفری رویکرد امنیت‌گرایی کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۴، صص ۹۰-۶۵. ۱۳۹۶ ش.
- مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان. میل. جان استوارت (۱۳۸۵). رساله ای در باره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، چاپ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی. ۱۳۹۰ ش.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۱۵۰-۱۲۹. ۱۳۷۸ ش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و سید زاده ثانی، سید مهدی. «رژیم بین‌المللی هراس اخلاقی: نقش رسانه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، صص ۱۷۵-۱۳۷. ۱۳۹۱ ش.
- نرگسیان، عباس و جمالی قاسمعلی، «وضعیت شفافیت در سازمان‌های حاکمیتی ایران»، فصلنامه دولت‌پژوهی، شماره ۱۸، صص ۲۴۴-۲۰۹. ۱۳۹۸ ش.
- همایونی، غلامحسین، اظهار داریی مقامات دولتی ابزاری برای پیشگیری از فساد (اروپای شرقی و آسیای مرکزی)، چاپ اول، تهران، نشر علوم اجتماعی. ۱۳۹۵ ش.

- Etzioni, A, "Is Transparency the best Disinfectant"? Journal of Political Philosophy, Vol. 18, No. 4. (2010).
- Fox, J, "The Uncertain Relationship between Transparency and Accountability", Development in Practice, Vol. 17, No. 4-5. (2007).
- Grimmelikhuijsen, S., Porumbescu, G., Hong, B., & Im, T, "The Effect of Transparency on Trust in Government: A Cross-national Comparative Experiment", Public Administration Review, Vol. 73, No. 4. (2013).
- Kaufmann, D., & Bellver, A. Transparenting transparency—initial empirics and policy applications. Presentation at the Pre-Conference on Insitutional Change for Growth and Poverty Reduction in LowIncome Countries at the International Monetary Fund, Washington,DC, July 6–7, 2005. (2005).
- Siegel, Larry, "Criminology: The core, Forth Edition, Wadsworth. (2011).